

احتمال فروپاشی صنف نشر

✎ برکه جریبه هم نداریم!

حالا آنها دیگر مزید بر علت است.اهمیتش را می‌خواهم بگویم. در کانادا از ۲۰ سال پیش به این طرف نسخه دکتر ندارند. دکتر مرثض را می‌پرسد، معاینه‌ات می‌کند در کامپیوتر می‌زند یک کد به شما می‌دهد و این می‌رود روی سلیات داروخانه‌ها کد را به شما می‌گوید و می‌روی در هر داروخانه‌ای که رفتی می‌گویی من فلانی هستم، با کد فلان. با کد مشخص می‌شود کجا رفتی و دارویت چیست و دارو را به تو می‌دهد و پولش را می‌گیرد. نتیجه اینکه سر سال هم اداره مالیات دقیقا می‌گوید آقای فلانی ۳۰۰ مریض ویزیت کردی و آنقدر پول گرفتی و مالیات‌ها هم می‌شود اینقدر. حالا آنجا می‌شود گفت کمترین نیاز را به کاغذ پیدا می‌کنیم. کشوری که توانسته در این جریانات به آموزش برسد پس آنقدر کاغذ برای ما استراتژیک است. حالا مردم ما شاید خیلی عمیق نشدند که مطالب داخل کتاب‌ها از غذا مهم‌تر است. اما آن نسخه را که فهمیده‌اند در این کشور ما اگر کاغذ نداشته باشیم، نسخه نداریم. چرا برمی‌دارد کاغذ را از اولویت سه به پنج و بعد هفت می‌برد و بعد حذف می‌کنید. کی این تصمیم را گرفته و چه کسی مسئول این است؟ با کدام اندیشه و تجربه؟ با کدام کارشناسی با کدام مصاحبه این انجام شده؟ که یک سوال از ما نشده که لاقل ما هم دو مطلب بگوییم و بعد برود تصمیم‌اش را بگیرد. کارشناسان‌شان که هستند؟ نمی‌شود حذف کرد، می‌دانم سختی دارند.می‌شود کمتر بگیرند، می‌شود در مضیفه‌قرار داد اما اینکه شما اولویت‌اش را حذف می‌کنید، این را چه کسی گفته و کارشناسی‌اش کجا بود؟ والله ما هیچ اطلاعی نداریم.

✎ فقط ابلاغ شد.

بله ابلاغ می‌شود. یا مثلا الان صحبت‌هایی می‌شود که ارز چندنرخ‌خی شود یا گران که شود به خاطر شرایط است. من آن را نمی‌دانم.کارشناسان‌اش باید تصمیم بگیرند،بانک مرکزی باید تصمیم بگیرد. بانکمر کزی و وزارت صنعت و معادن و نیز وزار تخانه‌های مربوطه باید تصمیم بگیرند که الان شرایط ما چگونه است و باید مثلا ارز را چه قیمتی بفروشیم. آن یک بحث دیگری است، اما بحث نیازها، شما می‌آید تعیین می‌کنید که این کاغذ لابد نیاز ما نیست. جزو اولویت‌ها نیست، استراتژیک نیست. چه می‌شود که حذف‌اش می‌کنید؟

✎ شما می‌گویید استراتژیک است؟ حضرات می‌گویند استراتژیک نیست شما می‌گویید این حرف شما کارشناسی نیست و اگر بود شما مشاوره ما را که خیلی روی کاغذ حساسسیم و قلب تپنده صنعت‌مان است در نظر نگرفتید.

اگر با کاغذ این بازی‌ها را ببکنند یک صنف فروپاشی می‌شود، نه کوچک‌ها و بزرگ‌ها یک صنف فروپاشی می‌شود.خون در رگ‌های ما کاغذ است.

✎ بازیافت‌شان هم محدود به شانه تخم‌مرغ است.

عیبی ندارد. اصلا تبدیل شود به کارتن. خلاصه استفاده شود. در آن پیش می‌شود مردانه گروهی امکانات داشته باشند و همچنین اختیارات، تا بتوانند کارشان را انجام دهند. منظورم این است که حالا با توجه به اینکه انقدر ضعف در شاخه‌های مختلف داریم، خیلی کم کسی مردانه دنبال این جریان نیست. شما هم می‌نشینید بکپو دروازه مانع تائمن. کاغذ را از یک تصمیم‌گیری می‌بندید یا اینکه وارد یک حیطه کلی می‌کنید که همان لپ‌هام باعث گرائی بازار می‌شود. شاید می‌خواهند این در هم بسته شود.

✎ الان ناشران هر بند کاغذ را به چه قیمتی می‌توانند از تعانی بگیرند؟

کاغذهای کرم‌ای و چینی درجه یک(کاغذ چینی درجه ۴ هم هست)، مثل «درن‌فون» که با کراهی برابری می‌کند. ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار ریانی ۲۷هزار تومان می‌فروشیم و ۷۰ تا ۱۰۰ آن را ۵۳ هزار و ۵۰۰ تومان می‌فروشیم. یک محموله کاغذ هندی در راه داریم که آن هم کاغذ خوب هند است. ۹۰۰ در ۶۰۰ هزار تومان و ۷۰ در ۱۰۰ آن را ۴۹ هزار تومان خواهیم داد.

✎ چند ناشر جزو تعاونی هستند؟

۵۲۶ ناشر عضو داریم و تقریبا به چیزی بیش از این تعداد غیر عضو هم خدمات می‌دهیم.

✎ همین مقدار یا بیشتر از این؟

حاصل‌ود برابر این اضاخ به تعاونی ناشران اصفهان خدمات دادیم. به تعدادی از ناشران نسبتاً قوی هم خدمات دادیم. به تعدادی از ناشران گیلان خدمات دادیم، گرچه رسالت و وظیفه اصلی ما ناشران تهران است. با کاغذ ماژندران تقریبا همدلی و همکاری داشتیم و همچنان هم داریم. به دنبال این هم هستیم که یک همراهی با تداوم داشته باشیم و قرار داریم که این موضوع را تبدیل به قرارداد کنیم. در مورد بخش کاغذ شیت که گفتم، با کاغذ پارس هنوز مذاکرات‌مان به نتیجه نرسیده. آنها گفته‌اند که یک‌سری تغییرات دارند که بدهند و بعد این کار انجام شود که ما بتوانیم کل کاغذ حداقل ۷۰گرمی آنها را هم در اختیار داشته باشیم و بتوانیم ناشران را ساپورت کنیم. از چین و کره و هند و اندونزی کاغذ آورده‌ایم. با فائلا در مذاکراتیم که به شکل خاصی از کشور دیگری کاغذشان را بخریم. در تائمن پول در مضیفه بودیم ولی اعضا و عیاضا واقعا همکاری و کمک کردند تلاش‌مان در آوردن کاغذهای با کیفیت بالا است. هرچه شده با دلیل ارزانی بیابوریم سیاستگذاری ما نبوده و نیست و فکر می‌کنم باز هم می‌گویم حتی اگر همین روال، روالی که پر از دست‌انداز بوده تغییرش ندهند ما مزودی ثبات بازار را خواهیم داشت. نامه به وزارت ارشاد شاید دو ماه قبل از عید دادیم و پیش‌بینی بحران کردیم و پیشنهاد هم دادیم با توجه به تجاری که ما داریم این مقدار همکاری از دست ما بومی می‌رود و بعد هم به عنوان پیام هم در این مصاحبه عرض می‌کنم و از مسوولان مربوطه چه در وزارت بازرگانی و چه در معاونت‌های ریاست‌جمهوری و چه وزارت ارشاد، تقاضا می‌کنم به‌خصوص کاغذ ماژندران را حمایت کنند و از آنها هم بخواهند که اول کتب درسی را تامین کنند و بعد هر آنچه را که ماند به ما دهند که ما بتوانیم بهین ناشران توزیع کنیم.

ورزش

گفت‌وگو با «امید هرندی» سرمربی برکنار شده «داماش گیلان»:

اجازه دخالت به «عابدینی» را نمی‌دادم

پویان امیری - علیرضا محرمی



دلیل اخراج سرمربی داماش اعلام شد

کوبیدن مشت به صورت سرپرست!

مدیرعامل باشگاه داماش با بیان اینکه دلیل اخراج هرندی فنی نبوده، گفت: طی ۲۰ سالی که در فوتبال هستم ندیده بودم که پیش از آغاز بازی و در اتوبوس، سرمربی با مشت به دهان سرپرست زده و دو طرف مقابل چشم بازیکنان علاوه بر دیگری فیزیکی به یکدیگر فحاشی کنند.
امیر عابدینی در گفت‌وگو با مهر، در خصوص دلایل شکست سنگین ۶ بر یک تیم داماش مقابل فجر سپاسی و آخرین وضعیت کادرفنی این تیم ضمن بیان مطلب فوق گفت: متأسفانه طی ۳۰ سالی که من در فوتبال حضور دارم ندیده بودیم که پیش از یک بازی رسمی لیگ، سرمربی یک تیم و سرپرست آن در اتوبوس تیم درگیری فیزیکی پیدا کنند و سرمربی در مقابل چشم بازیکنان و سایر اعضای کادرفنی با مشت به دهان سرپرست تیم بزند و دو طرف نسبت به یکدیگر فحاشی کنند.وی در همین خصوص افزود: متأسفانه این درگیری به دلیل اختلاف نظر بچه‌گانه بین این دو نفر مبنی بر اینکه به بازیکن اجازه بدهند که شب به خانه بروند یا همراه تیم باشند، اتفاق افتاد. در حال حاضر من در حال بررسی این موضوع هستم و به همین دلیل اجازه ندادهم که این دو نفر در تمرین امروز این تیم شرکت کنند.مدیرعامل باشگاه داماش تأکید کرد: دربرخلاف آنچه که برخی از رسانه‌ها این تصمیم من را مربوط به شکست سنگین ۶بر یک تیم دانسته‌اند! این موضوع ربطی به تصمیم اخیر من برای جلوگیری از حضور سرمربی و سرپرست تیم در تمرینات نداشته‌است.عابدینی خاطرنشان کرد: هرچند که معتقدم این درگیری پیش از بازی با فجر باعث شده تمرکز بازیکنان ما به هم بخورد و روحیه آنها تا حدود زیادی تخریب شود. من فکر می‌کنم دلیل اصلی شکست سنگین تیم ما مقابل فجر و افت کیفیتی بازیکنان در این بازی همین درگیری باشد. عابدینی با اعلام اینکه تا روز سه‌شنبه این موضوع را مورد بررسی قرار داده و قصد دارد با هرندی خداحافظی کند، تأکید کرد: من پس از وقوع این اتفاقات مذاکرات خود را با سه گزینه داخلی و خارجی آغاز کرده‌ام و تا روز سه‌شنبه سرمربی جدید تیم را معرفی خواهیم کرد و گزینه ایرانی و خارجی هم شانس داشتند.
اردن:

سخت است.

✎ وا از آن سخت‌تر کار کردن با امیر عابدینی است.

به هیچ‌وجه؛ کار کردن با عابدینی بسیار راحت است و این حرف‌ها درست نیست. عابدینی خودش فوتبالی است و به همین دلیل اگر کار کردن با او را بلد باشی کار کردن با او راحت است.

✎ اما بعضی‌ها که با او کار کرده‌اند می‌گویند عابدینی در کار فنی دخالت می‌کند.

اگر می‌خواهی با عابدینی کار کنی باید قوی باشی. باید بدانی با چه کسی کار می‌کنی. وقتی به مدیر غیرفوتبالی کار می‌کنی می‌توانی با کمی تغییرات ضعف‌ها را بپوشانی اما عابدینی فوتبالی‌ار خوب می‌فهمد و زیر و بم فوتبالی را می‌داند. اگر جلو عابدینی بلغزی او زود متوجه می‌شود. من محکم ایستادم و بازیکنانم نیز به کار من ایمان داشتند و همه‌جانبه هم از سوی هواداران، رسانه‌ها، مسوولان و بازیکنانم حمایت

شدم. در کارم صداقت داشتم، محبت زیادی به من شده و به همین دلیل هم به تیم رونق داده شد. تا به اینجا بسیاری از چیزها را تحمل کرده‌ام به جز دروغ. من از دروغ نفرت دارم و تا به اینجا هم هر وقت باخت‌ام مرانه از باختم صحبت کرده‌ام



«کی‌روش» فکر می‌کند به روستا آمده



■ همه می‌دانند که وضعیت تیم‌های خوب نیست و حالا با شکست برابر لبنان، بازی‌های آینده‌ما سخت‌تر هم شده است. هر چند کار نشد ندارد و اگر از بازی‌های قبل بند بگیریم و بازیکنان آماده‌تر را دعوت کنیم می‌توانیم موفق شویم. متأسفانه برخی از ملی‌پوشان ما اشباع شده‌اند و فقط برای بیشتر کردن رکورد بازی ملی‌شان بازی می‌کنند در حالی که برخی دیگر حاضرند جان‌شان را هم فدای تیم‌لی کنند. کارلوس کی‌روش مربی بزرگی است و باید بداند که با چه بازیکنانی زندگی می‌کند. او باید آداب و رسوم و اخلاق ایرانی‌ها را بفهمد. این وظیفه اطرافیان کی‌روش است که درباره خصوصیات ایرانی‌ها به او اطلاعات بدهند و مثلا بگویند که بازیکنان ایرانی احساسی هستند و نمی‌توانند دو هفته در اردو باشند. همچنین کی‌روش باید کسانی را به تیم‌لی دعوت کند که از پوشیدن پیراهن تیم‌لی افتخار کنند. در بازی با لبنان روی پیراهن چند بازیکن باید می‌نوشتند «شکستنی»! آنها کار خاصی در زمین نمی‌کردند و به عقیده من فقط یک «کراوات» کم داشتند. در سویی دیگر لبنانی‌ها توپ‌گیری می‌کردند. ملی‌پوشان ما با ندوین‌ها و جلوتری‌های غلط در هنگام ضربات ایستگاهی کاری کردند که تیم‌لی به این روز دچار شود. به دو دلیل نمی‌توانیم امیدوار باشیم که در دوره جدید هم تغییرات

گسترده‌ای در تیم‌لی رخ دهد و بازیکنان اسم و رسم‌دار از تیم‌لی کنار گذاشته شوند. نخست آنکه کسی مثل پرویز دهن‌داری نداریم و دوم آنکه باشگاه‌های ما فوتبال پایه ندارند. ببینید سرنوشت ۱۵ نفری که علیه دهن‌داری توطئه کردند چه شد؟ امروزه کسی باید کشد که ماندن دهن‌داری عمل کند. ضمن اینکه خطور می‌شود تیم‌هایی مثل استقلال و پرسپولیس که هر کدام ۲۵میلیون طرفدار دارند، نمی‌توانند ۲۵ بازیکن علاقه‌مند و توانا بپوش

دهند؟ اکنون علی دوستی این کار را می‌کند، ولی چقدر به او بها داده می‌شود؟ در بازی با قطر اگر روی بازیکنان تا کسبیمتر نصب می‌کردید، شواخص از یک ریال تکان نمی‌خورد! در فوتبال روز دنیا دوندگی بیشترین نقش را دارد. فوتبالیستی مثل مسی در محوطه جریمه خودی توپ‌گیری می‌کند. ولی کدام ملی‌پوش ما این کار را انجام می‌دهد؟ هافبک‌ها و مهاجمان ما توپ‌گیر نیستند. دیگر تاریخ مصرف این حرف گذشته که یک هافبک بگوید توپ بدهید تا بازی کنم. دفاع تیمی از خط حمله شروع می‌شود. اگر جنگ به خط دفاع برسد قافیه را بخت‌آید. در بهترین دوران فوتبال ایران با مهاجرانی کار کرده‌ام. گاهی به او مشورت می‌دادم و حتی گاهی با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کردیم، ولی هرگز کسی متوجه نشد که ارتباط ما به هم چگونه است. نمی‌دانم کمک‌های ایرانی کی‌روش آیا جرات می‌کنند که با او درباره خصوصیات ایرانی‌ها حرف بزنند و مشورت دهند یا نه؟! آنها باید این کار را کنند. وقتی من اعتراض کردم که چرا دو مربی جوان خارج‌نشین را در کنار کی‌روش گذاشته‌اند همه گفتند آنها تحصیلکرده‌اند.

مگر ما در ایران مربی تحصیلکرده کم داریم؟ وقتی کسی تمام سال‌های عمرش را در خارج زندگی کرده است، خطور می‌تواند درباره خصوصیات زندگی در ایران و بازیکنان ایرانی به کی‌روش اطلاعات بدهد؟ از نزدیک با تیم‌لی کار نمی‌کنم که مشکلات درون تیم را بدانم، اما همین قدر می‌دانم که باید به این تیم کمک کنیم. فوتبال مدرنجویی خیلی از ما جدا شده است و فوتبال را با سگ‌ا و مگر نمی‌شود اداره کرد. زمانی که کره را با شش گل می‌بردیم، گذشت. عرق ملی بازیکنان ما کم شده و ارزش پیراهن تیم‌لی پایین آمده است. این زمان که ما بازی می‌کردیم هنگام خواب، پیراهن تیم‌لی را زیر سرمان می‌گذاشتیم که مبدا آن را از ما بگیرند، ولی امروز پیراهن را آسان به دست می‌آورند و آسان هم به دست می‌دهند. به نظر ام که مره از شکست دهیم به فوتبال ظلم کرده‌ایم. باید فوتبال را، که دو سال تعطیل کنیم و آن را از نو بسازیم. هیچ باشگاهی نباید این کار را انجام دهیم. با این پولی که در فوتبال خرج می‌شود می‌توان ۱۰ ورزشگاه ساخت و به تیم‌ها داد کشور ما هم پول دارد و هم پتانسیل ورزشی، ولی کار را باید از جایی شروع کنیم. الان هم خیلی برای مردم فرقی ندارد که فوتبال باشد یا نه. وقتی قطری‌ها در ورزشگاه آزادی آن‌طور رفتار می‌کنند و از لبنان شکست می‌خوریم، دیگر بدتر نمی‌شود. فقط مانده از مالدیو بازییم! باید از آدم‌هایی که عمرشان را در فوتبال سپری کرده‌اند انتقاد کنیم. البته آدم‌هایی پاک نه آنهایی که بارها ممنوع‌الکار و ممنوع‌التصویر شده‌اند و میلیون‌میلیارد پول بیهجا می‌کنند. روی کلاه‌های تیم‌لی آلمان در جام‌جهانی نوشته شده بود «۱۱ رفیق» یعنی مسایل روحی- روانی، محبت و صداقت در فوتبال خیلی مهم هستند. اختلاف‌ها به تیم‌لی لطمه می‌زند! کمای اینکه تیم ما اکنون در حال لطمه خوردن است. در این میان هم بازیکنان مقصدند و هم مطبوعات. همین رسانه‌ها گاهی از یک بازیکن یک کبشه یک کوه می‌سازند و روز دیگر آن کوه را به تپه‌ای کوچک تبدیل می‌کنند. متأسفانه باید بگویم که فوتبال و مطبوعات ما با هم «جور» هستند. این به آن باغ می‌دهد و آن به این و در این وسط گاهی سمت و سوی قلم‌ها عوض می‌شود. البته منظور من همه رسانه‌ها نیستند چون بیشتر رسانه‌ها صادقانه کار می‌کنند. ولی عمل همان تعداد اندک باعث می‌شود که بازیکنان به اشتباه همه رسانه‌ها را به یک چشم نگاه کنند. کی‌روش مربی خوبی است، اما فکر می‌کند به یک روستا آمده است. ما از پشت کوه نمانده‌ایم و در کشورمان افراد تحصیلکرده زیادی داریم که هم جام‌جهانی دیدند و هم در اروپا بازی کرده‌اند. مسوولان فدراسیون مسایل را خیلی راحت گرفت‌اند و گویی با کی‌روش صیغه برادری خوانده‌اند.

وقت هم ترسی از اخراج نداشت‌م چون باشگاه تصمیم می‌گیرد و من هم کار خودم را پیش می‌برم.

✎ از نتایج تیم که قطعاً راضی نبودید؟

به هیچ‌وجه از نتایج و امتیازاتی که گرفتیم راضی نیست‌م. ما تا به اینجا باید حداقل ۱۲ امتیاز می‌گرفتیم و اگر بازی‌های ما را ببینید نباید مقابل مس و سایپا می‌باختم و حق‌مان برد بود.

✎ مربیانی زیادی از دلای و... در فوتبال شکایت دارند، شما تا به اینجا اتفاق خاصی برایتان نیفتاده؟

اصلا نگذاشتم کسی به من ضربه بزند. من با همه مدیر برنامه‌ها و ایجنت‌ها هم کار می‌کنم. اما منی گفتم بازیکنی به من تحمیل شود. هر کس بازیکنی معرفی کند باید او را ببینم اگر به دردم خورد از او استفاده می‌کنم و در غیر این صورت او را رد می‌کنم. دو هفته پیش هم کسی، بازیکن آرژانتینی معرفی کرد که کارنامه خوبی هم داشت و در پورتو و براگای پرتغال بازی کرده بود اما او را دیدم و به دردم نخورد. با اینکه چند نفر هم اصرار کردند با او قرارداد ببندیم اما من قبول نکردم و او را نخواستم که بباید و روی نیمکت بنشیند. به نظرم از نسل ما و از این فوتبال باید حمایت شود. نمی‌دانم تا کی باید پول بازیکنان به جیب دلال‌ها ریخته شود. فوتبال ما از دلال‌ها ضربه می‌خورد.

✎ در این هفته‌ها داوری‌ها چگونه بود؟

نمی‌دانم درباره داوری‌ها چه بگویم. ما از داوری زیاد متضرر شدیم اما هیچ‌وقت اعتراض نکردیم و باخت را هم گردن گرفتیم.

✎ درباره تیم‌لی هم صحبت می‌کنید؟

به نظرم کی‌روش مربی خوبی است اما آوردن او از ابتدا اشتباه بود و او نمی‌تواند به فوتبال ما کمک کند. الان هم برداشتن او اشتباه است و نباید زود تصمیم بگیریم. تجربه این را ثابت کرده که آوردن مربی خارجی در فوتبال ما کمتر جواب داده و ما کمتر دیدیم که مربی خارجی در لیگ و جام حذفی قهرمان شود. اگر همین امکاناتی که در اختیار مربیان خارجی است در اختیار امثال استیلی، درخشان، ویسی و... باشد و پشتیبانی صورت بگیرد صددرصد موفق می‌شوند. من از ابتدا موافق آوردن کی‌روش نبودم الان هم موافق برداشتن او نیستم و به نظرم باید تا آخر از او حمایت شود تا تیم ملی به جام‌جهانی برود.

✎ پس انتقادی از کی‌روش ندارید؟

خب به نظرم اگر کی‌روش خودش صلاح بداند باید بازی‌ها را نمایشی ببینند. به جوان‌ها بیشتر میدان بدهد و بازی‌ها را وقتی می‌بیند شایسته‌ها را دعوت کند. در جام‌جهانی ۲۰۰۶ وقتی ما به مشکل خوردیم با وساطت، وحید هاشمیان را آوردیم که کمک زیادی به ما کرد. اکنون هم مسوولان باید وساطت کنند تا کی‌روش برخی بازیکنان را که نمی‌بیند به تیم‌لی دعوت کند تا بتوانیم مسیر جام‌جهانی را راحت برویم. در فوتبال اگر صداقت نباشد همان می‌شود که در نهایت به لبنان می‌بازیم. امیدوارم کسانی که در فوتبال فعالیت می‌کنند، اهل لاف زن نبوده و با صداقت کارشان را برای شاد کردن مردم به کار ببندند. زیرا هدف بالای فوتبال ایجاد اوقات خوب برای هواداران و سلامت مردم است.

✎ آقای هرندی علت اخراج شما به چه دلیل بود؟

نگران این مساله نیستیم زیرا از روزی که آمدم، بحث رفتن مطرح بود. البته بنده پایبند به قرارداد خود با باشگاه داماش هستم و هر تصمیمی برایم بگیرند می‌پذیرم. بحث‌های مربوط به برکناری من را مردم که مطرح نمی‌کنند، بلکه این بحث‌ها داخلی بوده و حتی بعد از اینکه پرسپولیس را با ۱۰ بازیکن بردم و به پیکان پنج گل زدم هم این صحبت‌ها مطرح بود.

✎ با توجه با مشکلات مالی‌ای که داماش داشت به نظر

می‌رسید شما نتایج خوبی گرفتید.

خیلی از تیم‌ها برای کسب همین ۹ امتیاز هم ۱۰-۱۵میلیارد هزینه کردند اما تا حالا یک ریال هم پول نگرفته‌ایم. من آدمی نبودم که دایم در حال شکایت کردن باشم و شما شاهد هستید در این مدت نه علیه باشگاه صحبت کرده‌ام و نه در خصوص کمک‌دهای آن. همیشه گفته‌ام راضی‌ا ما تا صحبت‌هایم باعث نشود به تیم ضربه بخورد.

✎ فکر می‌کنید باخت به تیم فجر باعث رفتن شما شد؟ تیم بد بازی کرد، آنها هرچه زوند گل کشد و ما از موقعیت‌هایمان استفاده نکردیم. حق‌مان باخت بود و من این باخت را به گردن می‌گیرم اما تا چه اندازه می‌توانم یک نفری تیم را بچرخانم؟! در فوتبال ممکن است یک روز، روز تیم نباشد و آنها ضعیف بازی کنند اما هیچ‌کدام از بازیکنان تیم کم‌کاری نکردند. فوتبال همین است اما شما کجای دنیا را سراغ دارید. یک تیم بی‌بازد و بازیکنان بیایند و با بوسیدن روی سرمربی از او عنرنخواهی کنند؟! این نشان می‌دهد ما تیم متحد و یکدستی داریم. ضمن اینکه از دشبث تا به امروز بیش از ۷۰۰ پیام کوتاه داشتم که مردم به من گفته‌اند نراحت این شکست نباش و با قدرت کارت را ادامه بده. همیشه سعی کردم صادق باشم. فکر می‌کنم در اولین سال مربیگری‌ام با توجه به امکانات و بازیکنانی که در اختیارم بود نتایج خوبی گرفتیم. تنها ناراحتی‌ام شکست مقابل فجر است که به خاطر آن از تمام مردم عذرخواهی می‌کنم و شرمندۀ آنها هستم.

✎ شما تیم را در شرایط خوبی تحویل نگرفتید؟ شاید باید به شما فرصت بیشتری داده می‌شد؟

تراکتورسازی از تیم قهرنشین با نتیجه‌بد می‌بازد اما اتفاقی نمی‌افتد ولی در روزهای خوش‌مان هم بحث‌هایی در مورد کنار گذاشتن مطرح می‌شد. چقدر می‌توانم یک نفره تیم را بچرخانم. من قبلاً گفته بودم تیم داماش را از هفته هفتم به بعد ببینید. دلیل آن این بود که در تعطیلات لیگ با اردوهای آماده‌سازی و دیدارهای تدارکاتی تیم را به شرایط مطلوب برسانم اما ما در این مدت هیچ اردویی برگزار نکردیم. تیم را از هیچ درست کردم و اگر به من اجازه دهند در ادامه مسابقات نتایج بهتری می‌گیرم اما اگر هم صلاح دیدند مربی جدیدی بیاورند در صورتی داماش نتیجه می‌گیرد که حق و حقوق بازیکنان را داده و امکانات لازم برای سرمربی جدید فراهم شود.